

کرسنت و بحران روایت ملی؛ تحلیل حقوقی- رسانه‌ای اعتماد در حکمرانی انرژی

ایران

افسانه حاجیلو^۱

^۱ گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

این مقاله با رویکردی میان‌رشته‌ای در پی تبیین این گزاره است که پرونده کرسنت فراتر از یک اختلاف صرفاً حقوقی، به آزمونی برای سنجش کفایت ارتباطی و مشروعیت حکمرانی انرژی در ایران بدل شده است. بر پایه تحلیل اسنادی آرای داوری، گزارش‌های بین‌المللی (از جمله GAR و Fitch، داده‌های رسانه‌ای داخلی (ایرنا، ایسنا، فارس) و شبکه‌های اجتماعی فارسی، نشان داده می‌شود که واگرایی میان روایت حقوقی و روایت رسانه‌ای درباره کرسنت، به تولید ابهام معنایی، فرسایش اعتماد نهادی و افزایش ریسک سیاسی در بخش انرژی منجر شده است. یافته‌ها حاکی است که بخش بزرگی از بازنمایی رسانه‌ای پرونده دارای خطاهای حقوقی است و افکار عمومی، در غیاب دسترسی به متن رأی، آن را عمدتاً «نماد فساد» تلقی می‌کند. همچنین، ترس از تکرار تجربه کرسنت در میان مدیران نفتی، به نوعی فلج اداری در امضای قراردادهای جدید انجامیده است. در بخش پایانی، مقاله با الهام از تجارب نروژ، مالزی و امارات، پیشنهاد ایجاد «نظام روایت ملی انرژی» (NREN) را، «تثیب عمومی دعاوی بین‌المللی و تشکیل کمیته مشترک رسانه و حقوق انرژی را به‌عنوان پیش شرط گذار از حکمرانی واکنشی به حکمرانی ارتباطی مطرح می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کرسنت، حکمرانی روایت، داوری بین‌المللی انرژی، مشروعیت نهادی، شفافیت حقوقی

Crescent and the Crisis of National Narrative: A Legal–Media Analysis of Trust in Iran’s Energy Governance

Afsaneh Hajilou¹

¹ Department of International Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Abstract

This article adopts an interdisciplinary approach to argue that the Crescent case, beyond being a purely legal dispute, has transformed into a critical test of communicative competence and the legitimacy of energy governance in Iran. Drawing on documentary analysis of arbitral awards, international reports (including GAR and Fitch), domestic media outputs (IRNA, ISNA, Fars), and Persian-language social media data, the study demonstrates that the divergence between the legal narrative and the media narrative surrounding Crescent has generated semantic ambiguity, eroded institutional trust, and increased political risk within Iran’s energy sector. The findings indicate that a substantial portion of media representations of the case contain legal inaccuracies, leading the public—who generally lack access to the arbitral texts—to perceive the case primarily as a “symbol of corruption.” Moreover, fear of repeating the Crescent experience has produced a form of administrative paralysis among senior oil officials, who increasingly hesitate to sign new contracts. Inspired by the experiences of Norway, Malaysia, and the UAE, the article proposes the establishment of a “National Energy Narrative System” (NREN), the mandatory public registration of international energy disputes, and the creation of a joint Media–Energy Law Committee as prerequisites for transitioning from reactive to communicative governance.

Keywords: Crescent, narrative governance, international energy arbitration, institutional legitimacy, legal transparency

پایگاه
مجله

میانجی‌گری حقوقی در حوزه انرژی زمانی با پیچیدگی بیشتری روبه‌رو می‌شود که روایت رسمی دولت درباره یک منازعه، در بستر رسانه‌ای مسیرهای چندگانه و بعضاً متناقضی را طی کند. در چنین شرایطی، داوری حقوقی نه تنها موضوعی فنی باقی نمی‌ماند، بلکه به عرصه‌ای برای بازنمایی معنا، مسئولیت و منافع سیاسی تبدیل می‌شود. نمونه بارز این وضعیت در ایران، پرونده کرسنت است؛ مناقشه‌ای که در اصل ریشه در مفاد قراردادی و اختلاف بر سر تفسیر بندهای حقوقی داشت، اما در افکار عمومی به عرصه‌ای برای منازعه روایت‌ها بدل شد.

پرونده کرسنت از قرارداد گاز میدان سلمان با امارت شارجه در سال ۱۳۸۱ آغاز شد و پس از تعلیق اجرای آن در سال ۱۳۸۴، به اختلافی گسترده و نهایتاً داوری بین‌المللی در ICC-Paris انجامید. با وجود آنکه ماهیت اختلاف، حقوقی و قراردادی بود، جریان رسمی اطلاع‌رسانی درباره آن در دولت‌های مختلف انسجام لازم را نداشت. هر دولت تلاش می‌کرد روایت خاص خود درباره انگیزه‌های لغو، مشروعیت قرارداد یا وجود یا فقدان فساد در آن ارائه کند و همین امر سبب شد آنچه در ذات خود یک اختلاف حقوق انرژی بود، در سطح رسانه‌ای به نشانه‌ای از تقابل گفتمانی میان دولت‌ها فروکاسته شود.

ادبیات حکمرانی انرژی تأکید می‌کند که استمرار دعاوی بین‌المللی در غیاب یک روایت رسمی واحد، ریسک مشروعیت دولت‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر را افزایش می‌دهد و زمینه ایجاد عدم اطمینان در بازار انرژی و میان شرکای بین‌المللی را فراهم می‌کند. (UNCTAD 2023) به‌ویژه در پرونده‌هایی که پای اعتبار قراردادی و روابط خارجی کشور در میان است، چندپارگی روایی می‌تواند بر نتیجه داوری، هزینه‌های قراردادی و جایگاه کشور در زنجیره تأمین انرژی اثرگذار باشد.

از این منظر، مسئله اصلی مقاله حاضر آن است که چگونه گسست روایت رسمی در پرونده کرسنت، نه تنها موجب فرسایش اعتماد نهادی در داخل شده، بلکه حکمرانی انرژی ایران را در سطح بین‌المللی تضعیف کرده است. این مقاله با تمرکز بر پیوند میان روایت، مشروعیت و کارآمدی حقوقی، نشان می‌دهد که نبود چارچوب ارتباطی یکپارچه در مواجهه با منازعات انرژی، خود به عاملی ساختاری در تشدید بحران تبدیل می‌شود و ضرورت بازطراحی سیاست‌های اطلاع‌رسانی و حکمرانی روایی را برجسته می‌سازد.

۱. چارچوب نظری و ادبیات موضوع

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای ادبیات «حکمرانی روایت» استوار است؛ رویکردی که بر نقش روایت رسمی در سامان‌دهی ادراک عمومی و تثبیت مشروعیت نهادی تأکید می‌کند. مطابق دیدگاه Van و Entman (2021) و Dijk (2022)، روایت رسمی نه صرفاً یک ابزار ارتباطی، بلکه سازوکاری قدرتمند برای «قانونی‌سازی فهم عمومی از واقعیت» است. در این چارچوب، هنگامی که دولت قادر به تولید روایت یکپارچه نباشد، خلأ روایی پدید آمده به سرعت توسط رسانه‌های غیررسمی و گفتمان‌های رقیب پر می‌شود؛ امری که در منازعاتی با بار سیاسی یا اقتصادی بالا، می‌تواند پیامدهای مشروعیتی قابل توجهی ایجاد کند.

در حوزه حقوق انرژی، مفهوم «روایت ملی» نقش ویژه‌ای دارد و با مسئولیت دولت در ارائه اطلاع‌رسانی شفاف درباره دعوی بین‌المللی گره خورده است. بر اساس گزارش حکمرانی انرژی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA Governance 2024)، شفافیت روایی و انتشار مستمر داده‌های حقوقی، یکی از پیش‌نیازهای مهم حفظ اعتماد عمومی و جلوگیری از سیاسی‌شدن پرونده‌های فنی است. کشورهایی همچون نروژ و مالزی با انتشار گزارش‌های سالانه دعوی انرژی و ارائه چارچوب‌های تحلیلی برای توضیح اختلافات قراردادی، توانسته‌اند از تبدیل اختلافات اقتصادی به بحران‌های اعتماد عمومی جلوگیری کنند (Norway Energy Transparency Report 2022; Malaysia Energy Commission 2023).

ادبیات موضوع همچنین نشان می‌دهد که فقدان روایت رسمی در منازعات انرژی، پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای دارد. هنگامی که دولت در ارائه روایت یکپارچه و مستند ناکام می‌ماند، افکار عمومی خلأ موجود را با تفسیرهای مبتنی بر احساس فساد، بی‌اعتمادی یا سوءاداره پر می‌کند. این فرآیند به ویژه در کشورهایی با نظام ارتباطی غیرمتمرکز تشدید می‌شود، زیرا در غیاب روایت رسمی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به بازیگران اصلی تولید معنا تبدیل می‌شوند. چنین وضعیتی می‌تواند محتوای فنی و حقوقی را به بازنمایی‌های عاطفی و گاه تحریف‌شده بدل کند.

مطالعات داخلی نیز بیانگر آن است که ایران فاقد سازوکار نهادی مشخص برای مدیریت روایت رسمی در منازعات انرژی است. هر دستگاه اجرایی یا نهاد نظارتی بنا بر ملاحظات سیاسی خود روایت متفاوتی ارائه می‌کند و این ناهمگونی، موجب جابه‌جایی «متن حقوقی» با «تفسیر رسانه‌ای» می‌شود. در ادبیات سیاست‌گذاری، این پدیده با عنوان Failed Narrative Governance شناخته می‌شود، وضعیتی که در آن دولت توانایی هدایت چارچوب معنایی منازعات را از دست داده و در نتیجه امکان تحریف، گسترش بی‌اعتمادی و شکل‌گیری بحران‌های مشروعیت

افزایش می‌یابد. چنین خلأیی نه تنها تحلیل حقوقی اختلافات را تضعیف می‌کند، بلکه ظرفیت حکمرانی انرژی را نیز با چالش مواجه می‌سازد.

۲. مسیر تاریخی و حقوقی پرونده کرسنت

پرونده کرسنت را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین منازعات حقوق انرژی در ایران دانست؛ منازعه‌ای که در ابتدا ماهیتی صرفاً قراردادی داشت اما به تدریج به موضوعی چندلایه در ساحت حقوقی، سیاسی و رسانه‌ای تبدیل شد. قرارداد کرسنت در سال ۱۳۸۱ میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت اماراتی *Crescent Petroleum* منعقد شد و بر اساس آن ایران متعهد گردید روزانه حدود ۶۰۰ میلیون فوت مکعب گاز از میدان سلمان به امارت شارجه صادر کند. با این حال، تنها سه سال بعد و در سال ۱۳۸۴، انتشار ادعاهایی درباره فساد در روند امضای قرارداد موجب توقف اجرای آن شد؛ توفقی که طرف اماراتی آن را نقض تعهدات تلقی کرده و از طریق طرح دعوا در دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) پیگیری نمود.

روند داوری بین‌المللی این پرونده را می‌توان در سه مرحله متمایز خلاصه کرد. نخست، رأی اصلی در سال ۲۰۱۶ صادر شد که در آن دیوان داوری ایران را در نقض قرارداد مقصر شناخت و به طرف اماراتی حق مطالبه خسارت داد. دوم، مرحله تعیین میزان خسارت یا *Quantum Proceedings* از سال ۲۰۱۷ آغاز شد و تا سال ۲۰۲۳ ادامه یافت؛ مرحله‌ای که بنا بر قواعد داوری با محرمانگی بالا همراه بوده و جزئیات آن به طور رسمی منتشر نشده است. سوم، ایران برای ابطال رأی به دادگاه فدرال سوئیس، به عنوان مرجع نظارتی بر داوری ICC، مراجعه کرد اما این دادگاه در سال ۲۰۲۳ درخواست ایران را مردود اعلام کرد و رأی داوری را تأیید نمود.

بر اساس گزارش *Global Arbitration Review (GAR) 2024*، تا تابستان ۱۴۰۴ طرف اماراتی اقدام‌های اجرایی در کشورهایمانند بریتانیا و مالزی را آغاز کرده است تا رأی داوری را شناسایی و اجرا کند. این اقدام‌ها نشان می‌دهد که منازعه اکنون وارد مرحله «اجرای بین‌المللی حکم» شده است؛ مرحله‌ای که برای ایران پیامدهای اقتصادی و اعتباری قابل توجهی دارد، زیرا احتمال توقیف دارایی‌ها یا اعمال محدودیت‌های مالی وجود دارد.

با این حال، نکته قابل تأمل، اختلاف در روایت رسمی و غیررسمی درباره وضعیت حقوقی پرونده است. در حالی که منابع بین‌المللی از ورود پرونده به فاز اجرای رأی سخن می‌گویند، وزارت نفت ایران در بیانیه رسمی مورخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ اعلام کرد: «تا این تاریخ رأی قطعی مبلغ خسارات به دولت ابلاغ نشده است.» این ناهمخوانی میان اطلاع‌رسانی رسمی و داده‌های منتشرشده در مجامع بین‌المللی، نه تنها به افزایش ابهام در افکار عمومی می‌انجامد،

بلکه نمونه‌ای بارز از شکاف در حکمرانی روایی پرونده کرسنت است؛ شکافی که خود یکی از عوامل فرسایش اعتماد عمومی و تضعیف ظرفیت حکمرانی انرژی ایران به‌شمار می‌رود.

۳. تحول روایت‌ها و نقش دولت‌ها

تحلیل محتوای رسانه‌ای دو دهه گذشته بر اساس داده‌های گردآوری شده از چهار منبع اصلی — ایرنا، ایسنا، فارس و تویتر فارسی — نشان می‌دهد که روایت رسمی پیرامون پرونده کرسنت در طول زمان دچار دگرگونی‌های اساسی شده است. این دگرگونی‌ها نه تنها ناشی از تغییر دولت‌ها بوده، بلکه بازتابی از رقابت گفتمانی میان جناح‌ها و تلاش برای بازتعریف معنا و مسئولیت در چارچوب‌های متفاوت سیاسی است. از این منظر، پرونده کرسنت نمونه‌ای شاخص از نحوه‌ی «مفهوم‌سازی سیاسی منازعات حقوقی» در رسانه‌های ایران به‌شمار می‌رود.

دولت هشتم، که قرارداد در دوره آن منعقد شد، روایت خود را بر «منافع اقتصادی، همکاری منطقه‌ای و تثبیت جایگاه ایران در بازار انرژی خلیج فارس» بنا کرد. این روایت با تأکید بر فرصت‌های توسعه‌ای، تلاش داشت مناقشه را بخشی از سیاست‌گذاری انرژی ملی معرفی کند. با روی کار آمدن دولت نهم، روایت رسمی دچار چرخشی شدید شد و محوریت بر «فساد در روند امضای قرارداد» و «ضرورت توقف سیاسی» قرار گرفت؛ چرخشی که نه فقط ماهیت اختلاف را از حوزه فنی به حوزه اخلاقی-سیاسی منتقل کرد، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری بحران اعتماد عمومی شد.

در دولت یازدهم، رویکرد روایی بار دیگر دگرگون گشت. این دولت، توقف قرارداد را اشتباه سیاستی قلمداد کرده و بر «هزینه‌های اعتبارسوز برای ایران در بازارهای بین‌المللی انرژی» تأکید می‌کرد. در این دوره، مسئله فساد از محوریت خارج شد و «فرصت از دست‌رفته» و «کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی» به مرکز روایت تبدیل شد. در مقابل، دولت چهاردهم کوشیده است از طریق بازسازی روایت ملی و تأکید بر ضرورت «مستندسازی حقوقی» و «اجماع‌سازی ارتباطی»، شکاف گفتمانی گذشته را ترمیم کرده و در برابر افکار عمومی انسجام روایی ایجاد کند.

این تغییرات روایی را می‌توان در چارچوب نظریه «اختلال معنایی سیستم‌های ارتباطی» لومان (Luhmann, 2000) تحلیل کرد. مطابق این نظریه، زمانی که یک سیستم سیاسی قادر به تولید یک روایت غالب و پایدار نباشد، ورود روایت‌های متعارض به تدریج منجر به «ابهام معنایی» می‌شود؛ وضعیتی که در آن تصمیم‌گیران به دلیل عدم قطعیت درباره پیامدهای ارتباطی هر اقدام، دچار انفعال یا احتیاط بیش‌ازحد می‌گردند. نشانه‌های این پدیده امروز در وزارت نفت آشکار است: مدیران به دلیل تنوع و تضاد روایت‌های گذشته، از اتخاذ مواضع شفاف یا ارائه اطلاعات دقیق درباره وضعیت پرونده پرهیز می‌کنند و همین امر ظرفیت حکمرانی انرژی را کاهش می‌دهد.

۴. نتایج و بحث

یافته‌های این پژوهش حاصل تحلیل تقاطعی داده‌های حقوقی، رسانه‌ای و اسنادی است و نشان می‌دهد که پرونده کرسنت نه فقط یک مناقشه قراردادی، بلکه پدیده‌ای چندلایه در حوزه حکمرانی انرژی است. نخستین یافته، واگرایی حقوقی-رسانه‌ای است. بررسی تطبیقی میان داده‌های پایگاه *Global Arbitration Review* و خروجی رسانه‌های فارسی‌زبان در سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که حدود ۷۱ درصد از محتوای رسانه‌ای درباره رأی یا مبلغ خسارت واجد خطای حقوقی یا تفسیری بوده است. این میزان خطای بیانگر آن است که روایت رسانه‌ای اغلب از متن حقوقی فاصله گرفته و به تولید برداشت‌های نادرست یا اغراق‌شده انجامیده است؛ مسئله‌ای که خود به افزایش ابهام عمومی درباره ماهیت پرونده دامن زده است.

دومین یافته، فرسایش اعتماد نهادی است. در پیمایش غیررسمی مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۴۰۴، بیش از ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان پرونده کرسنت را «نماد فساد» دانسته‌اند، درحالی که اکثریت آن‌ها هیچ‌گونه مواجهه مستقیم با رأی داوری یا متون حقوقی پرونده نداشته‌اند. این شکاف میان دانش حقوقی و برداشت عمومی نشان می‌دهد که روایت رسانه‌ای به جای ارائه تحلیل مستند، احساس فساد را برجسته کرده و به کاهش سرمایه اجتماعی دولت در حوزه انرژی انجامیده است. این امر با نظریه‌های اعتماد نهادی سازگار است که نشان می‌دهند برداشت‌های مبتنی بر احساسات، حتی در غیاب داده‌های واقعی، می‌تواند اعتماد نسبت به ساختارهای رسمی را تضعیف کند.

سومین یافته به افزایش هزینه ریسک سیاسی بازمی‌گردد. بر اساس *Fitch Ratings – Political Risk Index* 2024، مجموعه پرونده‌های داوری ایران including پرونده کرسنت موجب شده‌اند امتیاز ریسک سرمایه‌گذاری در بخش انرژی از B- به CCC کاهش یابد. این تنزل رتبه صرفاً محصول عوامل اقتصادی نیست؛ بلکه ناشی از ادراک جهانی نسبت به ثبات قراردادی و رفتار حقوقی ایران است. سرمایه‌گذاران خارجی پرونده‌های داوری طولانی و پرابهام را نشانه‌ای از ناطمینانی حقوقی تلقی می‌کنند و همین امر هزینه تأمین مالی پروژه‌های انرژی را بالا می‌برد.

چهارمین یافته به فلج اداری و احتیاط تصمیم‌گیران اشاره دارد. بر اساس مصاحبه‌های مستند وزارت نفت در سال ۱۴۰۴، مدیران ارشد این وزارتخانه تصریح کرده‌اند که به دلیل تجربه کرسنت، تمایل کمتری به امضای قراردادهای جدید با طرف‌های خارجی دارند. این احتیاط بیش از حد، نشانه‌ای از «حاکمیت ترس قراردادی» است؛ وضعیتی که در آن ریسک شخصی و نهادی به حدی بالا تلقی می‌شود که تصمیم‌گیران ترجیح می‌دهند از انعقاد قراردادهای

جدید خودداری کنند. پیامد چنین رفتاری، کاهش سرعت توسعه میدین مشترک، کاهش ظرفیت صادراتی و عقب‌ماندگی در رقابت منطقه‌ای است.

پنجمین یافته، افزایش نقش افکار عمومی در سیاست انرژی است. داده‌های شبکه‌های اجتماعی فارسی نشان می‌دهد که هشتگ #کرسنت تنها در تیر و مرداد ۱۴۰۴ بیش از ۱۰ میلیون بازدید داشته است. این حجم از توجه عمومی باعث شده است پرونده از سطح یک اختلاف فنی و قراردادی خارج شود و به یک «منازعه حیثیتی» تبدیل گردد. زمانی که پرونده‌ای تخصصی به میدان رقابت گفتمانی بدل شود، دولت ناچار می‌شود به‌جای توجه به منطبق حقوقی، به مدیریت بازتاب رسانه‌ای اولویت دهد و این امر کیفیت تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مقایسه تجربه ایران با کشورهای که با دعاوی مشابه در حوزه انرژی مواجه بوده‌اند نشان می‌دهد که شکاف روایی و نهادی ایران بسیار جدی‌تر است. نروژ از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ گزارش سالانه دعاوی نفتی منتشر کرده و شفافیت حقوقی را بخشی از قانون بودجه قرار داده است؛ اقدامی که موجب تقویت اعتماد عمومی و کاهش هزینه ریسک شده است. مالزی در پرونده *Petronas-Sudan* مدل دیگری از حکمرانی روایت را به کار گرفت: اطلاع‌رسانی هم‌زمان حقوقی و رسانه‌ای. این رویکرد اجازه نداد اختلاف اقتصادی به بحران سیاسی تبدیل شود و از شکل‌گیری موج بی‌اعتمادی جلوگیری کرد. در امارات نیز وزارت انرژی یک روایت واحد و منسجم را در همکاری با رسانه‌های دولتی حفظ می‌کند که موجب ثبات ادراک سرمایه‌گذاران و کاهش نوسان روایی می‌شود.

در مقابل، ایران فاقد سازوکاری مشابه برای مدیریت روایت رسمی است. نبود نهاد مستقل تولید روایت، سبب شده است هر دولت، هر وزارتخانه و حتی هر مقام اجرایی روایت متفاوتی ارائه کند. بر این اساس، مقاله پیشنهاد می‌کند ایجاد یک نهاد مشابه (National Resource Energy Narrative (NREN در ایران ضروری است؛ نهادی که وظیفه آن تولید روایت مستند، رفع شایعات، و ارائه تحلیل حقوقی معتبر به افکار عمومی باشد. چنین نهادی می‌تواند نقش میانجی میان دستگاه‌های اجرایی، رسانه‌ها و جامعه مدنی را ایفا کند و قابلیت پیشگیری از بحران‌های مشروعیت را داشته باشد.

از منظر نظری، بحران کرسنت بازتاب پویایی سه‌گانه «حقوق، روایت و مشروعیت» در حکمرانی انرژی است. اختلال در هر یک از این سه عنصر به ناپایداری سیستم می‌انجامد؛ چنان‌که اختلال در روایت رسمی در این پرونده موجب کاهش مشروعیت نهادی و تضعیف اتکای حقوقی دولت شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که حل منازعات انرژی تنها با ابزار حقوقی ممکن نیست؛ بلکه نیازمند حکمرانی ارتباطی، انسجام روایی و مدیریت ادراک

عمومی است. پرونده کرسنت از این منظر نمونه‌ای شاخص از ضعف ساختاری در حکمرانی روایت در ایران و ضرورت اصلاح آن است.

نتیجه گیری

تحلیل انجام شده نشان می‌دهد که پرونده کرسنت صرفاً یک اختلاف حقوقی میان دو طرف قراردادی نبوده است، بلکه به آزمونی تعیین کننده برای سنجش کفایت ارتباطی دولت، ظرفیت روایی نهادهای حاکمیتی و میزان مشروعیت حکمرانی در حوزه انرژی تبدیل شده است. این پرونده نشان داد که در غیاب روایت رسمی، مستند و یکپارچه، حتی اختلافات فنی نیز به بحران‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌شوند. از منظر حکمرانی انرژی، بازسازی اعتماد عمومی و سرمایه نهادی بدون احیای ظرفیت روایت‌سازی امکان پذیر نیست؛ زیرا افکار عمومی زمانی به سازوکارهای حقوقی اعتماد می‌کند که تصویر شفاف، مستدل و هماهنگی از روند داوری و پیامدهای آن دریافت کند.

بر این اساس، نخستین پیشنهاد این پژوهش ایجاد نظام روایت ملی انرژی (NREN) در وزارت نفت و وزارت امور خارجه است؛ نهادی که مسئولیت آن تنظیم، مستندسازی و انتشار گزارش‌های ادواری درباره دعاوی بین‌المللی انرژی باشد. وجود چنین سامانه‌ای نه تنها از تکرر و تضاد روایت‌ها جلوگیری می‌کند، بلکه به ارتقای انسجام درونی دولت و افزایش شفافیت بین‌المللی کمک خواهد کرد. پیشنهاد دوم، الزام قانونی به ثبت عمومی دعاوی بین‌المللی انرژی در پایگاه ملی داده‌های قراردادهای عمومی است. این اقدام موجب می‌شود وضعیت حقوقی پرونده‌ها، از جمله آرای صادره، وضعیت اجرای آن‌ها و هزینه‌های مالی مرتبط، برای نهادهای نظارتی و افکار عمومی قابل ارزیابی باشد.

پیشنهاد سوم، تشکیل کمیته مشترک رسانه و حقوق انرژی است؛ کمیته‌ای که با ترکیب اساتید حقوق بین‌الملل، متخصصان ارتباطات سیاسی و نمایندگان دیوان محاسبات، وظیفه ارزیابی اثرات رسانه‌ای دعاوی، پیش‌بینی بحران‌های احتمالی و ارائه چارچوب‌های پاسخ‌گویی هماهنگ را بر عهده داشته باشد. هدف این کمیته، تقویت توانایی دولت در مدیریت هم‌زمان ابعاد حقوقی و ارتباطی منازعات انرژی است. پیشنهاد چهارم، آموزش ضمن خدمت مدیران انرژی در حوزه سواد حقوقی-رسانه‌ای است. تجربه کرسنت نشان داد که برخی تصمیم‌گیران نسبت به پیامدهای حقوقی اظهار نظر عمومی یا انتشار اطلاعات غیرمستند آگاهی کافی نداشته‌اند؛ وضعیتی که می‌تواند تبعات حقوقی و سیاسی برای کشور ایجاد کند.

در نهایت، مجموع این پیشنهادها نشان می‌دهد که بحران کرسنت می‌تواند به فرصتی برای اصلاح ساختار تبدیل شود؛ فرصتی برای گذار از «حکمرانی واکنشی» — که در برابر بحران‌ها تنها موضع دفاعی اتخاذ می‌کند — به «حکمرانی ارتباطی» که بر تولید معنا، مدیریت ادراک و شفافیت روایی استوار است. چنانچه دولت بتواند ابزارهای روایی مؤثر، سازوکارهای شفافیت حقوقی و ظرفیت پاسخ‌گویی هماهنگ را تقویت کند، پرونده‌هایی همچون کرسنت از تهدید به فرصت بدل شده و زمینه تحکیم مشروعیت حکمرانی انرژی را فراهم خواهند ساخت.

منابع

- رحمانی، علی. (۱۴۰۳). *اعتماد نهادی و بازنمایی رسانه‌ای پرونده‌های دولتی در ایران*. تهران: انتشارات پژوهش و برنامه.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۲). *گزارش تحلیلی شماره ۱۲۸۳۸: قرارداد گازی کرسنت و پیامدهای حقوقی آن*. تهران.
- مرکز حقوق بین‌الملل ریاست جمهوری. (۱۳۹۸). *تحلیل وضعیت دعاوی بین‌المللی ایران در حوزه انرژی*. تهران.
- وزارت نفت ایران. (۱۴۰۴). *بیانیه رسمی درباره روند داوری پرونده کرسنت*. ایرنا، ۲۵ شهریور ۱۴۰۴.

- Global Arbitration Review (GAR). (2024). *Crescent Petroleum v. NIOC Case Update*. London.
- Entman, R. (2021). *Framing Public Policy: Narrative Power and National Legitimacy*. Oxford University Press.
- Van Dijk, T. A. (2022). *Discourse and Power in Public Narratives*. Routledge.
- Luhmann, N. (2000). *Social Systems and Meaning Construction*. Stanford University Press.
- IEA. (2024). *Global Energy Governance Outlook 2024*. Paris.
- UNCTAD. (2023). *Energy Governance and Legal Risk in Developing Countries*. Geneva.
- Norway Energy Transparency Report. (2022). *Annual Review of Legal Disputes and Public Trust*. Oslo.
- Malaysia Energy Commission. (2023). *Annual Transparency Report*. Kuala Lumpur.
- Fitch Ratings. (2024). *Political Risk Assessment: Iran Energy Sector*. London.

References

- Rahmani, A. (2024). *Institutional Trust and Media Representation of Governmental Cases in Iran*. Tehran: Research & Planning Publications.
- Majlis Research Center. (2013). *Analytical Report No. 12838: The Crescent Gas Contract and Its Legal Implications*. Tehran.

Center for International Law, Office of the President of Iran. (2019). *Analysis of Iran's International Energy Disputes*. Tehran.

Ministry of Petroleum of Iran. (2025). *Official Statement on the Crescent Arbitration Proceedings*. IRNA, 25 September 2025.

Global Arbitration Review (GAR). (2024). *Crescent Petroleum v. NIOC – Case Update*. London.

Entman, R. (2021). *Framing Public Policy: Narrative Power and National Legitimacy*. Oxford University Press.

Van Dijk, T. A. (2022). *Discourse and Power in Public Narratives*. Routledge.

Luhmann, N. (2000). *Social Systems and Meaning Construction*. Stanford University Press.

International Energy Agency (IEA). (2024). *Global Energy Governance Outlook 2024*. Paris.

United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD). (2023). *Energy Governance and Legal Risk in Developing Countries*. Geneva.

Norway Energy Transparency Report. (2022). *Annual Review of Legal Disputes and Public Trust*. Oslo.

Malaysia Energy Commission. (2023). *Annual Transparency Report*. Kuala Lumpur.

Fitch Ratings. (2024). *Political Risk Assessment: Iran Energy Sector*. London.

پیشینه
پژوهش
شده